

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



چالش‌های نفوذ چین در منطقه

مارس ۲۰۲۳ یک ماه مهم تاریخی برای خاورمیانه بود، زیرا چین با موفقیت میانجیگری توافق صلح بین عربستان سعودی و ایران را انجام داد. این دو قدرت منطقه‌ای از بهار عربی سال ۲۰۱۱ به بعد از گروه‌های مختلف و متضاد در منطقه حمایت می‌کردند. درگیری‌ها و جنگ‌ها در خاورمیانه اتفاق نادری نیست. این منطقه برای دهه‌ها است که با روابط پیچیده و شکننده بین هویت‌ها آشناست، اما در سال ۲۰۱۱ خاورمیانه شاهد اوج درگیری‌های فرقه‌ای است که عراق، سوریه و یمن بیشترین آسیب‌ها را از این درگیری‌ها دیدند. در حالی که پتانسیل کاهش تنش درگیری‌های نیابتی به لطف میانجی‌گری صلح چین خبر خوبی است، این روند همچنین درها را برای چین به‌عنوان قدرت بزرگ آسیای شرقی برای نفوذ بیشتر در منطقه باز کرده است. در چارچوب رقابت آمریکا و چین، چین فعالانه به دنبال فرصت‌هایی برای گسترش نفوذ جهانی خود بوده است. در این صفحه شطرنج ژئوپلیتیکی، اهمیت استراتژیک خاورمیانه، به‌ویژه از زمان اعلام طرح کمربند و جاده در سال ۲۰۱۳، برای پکن افزایش یافته است. در حالی که نقش چین در میانجیگری صلح بین عربستان سعودی و ایران در ظاهر ستودنی است اما کشورهای خاورمیانه باید احتیاط کنند و پیامدهای بالقوه بلندمدت اجازه دادن به چین برای تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در امور امنیتی منطقه را در نظر بگیرند. قبل از هر چیز، کشورهای خاورمیانه باید انگیزه‌های چین را به دقت ارزیابی کنند. در حالی که پکن خود را به‌عنوان یک بازیگری طرف معرفی می‌کند که قصد دارد ثبات و همکاری اقتصادی را با تانک‌های قدرت نرم خود ارتقا بخشد، مشارکت این کشور احتمالاً لزوماً ناشی از اهداف نوع‌دوستانه نیست و ممکن است منافع درازمدت چین با منافع کشورهای خاورمیانه هماهنگ نباشد. مهم‌تر از همه، در حالی که طرح کمربند و جاده، فرصت‌های جدیدی برای توسعه و سرمایه‌گذاری برای کشورهای خاورمیانه به ارمغان می‌آورد، اما در عین حال جاه‌طلبی‌های هژمونیک چین را نیز به‌نمایش می‌گذارد. افزایش حضور نظامی چین در منطقه دلیل اصلی نگرانی است. با این حال، خطرات امنیتی پذیرش چین برای پر کردن شکافی که ایالات متحده باقی گذاشته است، نه تنها ممکن است در آینده به مشکلی برای ایالات متحده تبدیل شود، بلکه می‌تواند برای منطقه نیز مشکل‌ساز باشد. به نظر می‌رسد تمایل چین برای ایفای نقش به‌عنوان شریک امنیتی کلیدی منافع کوتاه‌مدتی برای هر دو طرف به‌همراه داشته باشد، اما با افزایش همکاری‌ها، فاصله بین منطقه و کشورهای غربی ممکن است عمیق‌تر شود. به‌عنوان مثال، ایران به احساسات و اقدامات ضدآمریکایی خود معروف است و حضور چین ممکن است موجب شود که راهبر ایران برای از بین بردن انحصار یک قدرت بزرگ در منطقه تقویت شود. اگرچه این روند به ایران اجازه داد تا حق حاکمیت خود را اعمال کرده و سیاست خارجی مستقلی را دنبال کند اما در عین حال به انزوای بین‌المللی و چالش‌های اقتصادی برای ایران نیز انجامیده است. رویارویی با قدرت بزرگی مانند ایالات متحده، دسترسی ایران را به بازارها و منابع جهانی محدود کرده است. این نمونه، داستانی هشداردهنده برای کشورهای خاورمیانه است و بر نیاز به رویکرد محافظت استراتژیک به جای انتخاب یک طرف، بین چین و ایالات متحده، تأکید می‌کند. در چشم‌انداز دینامیک قدرت در خاورمیانه، چندین کشور با چالش افزایش بدهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این چالش ناشی از ترکیبی از ناکارآمدی‌های داخلی، مشکلات حاکمیتی و تحولات اقتصاد جهانی است. این بدهی‌ها، نگرانی‌ها را در مورد تقویت اهرم‌های اقتصادی و سیاسی بالقوه چین در منطقه افزایش می‌دهد. در پس فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، خطر وابستگی به بدهی نهان شده است. نمونه این خطر را می‌توان در مسئله بدهی‌های کشورهای آفریقایی به چین مشاهده کرد. مسلمانان نگرانی برای کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس چندان جدی نیست، اما می‌تواند برای کشورهای فقیرتر مانند عراق، سوریه و لبنان در درازمدت باشد. برای مثال، به‌رغم تعهد چین به پروژه‌های توسعه‌ای عظیم در اردن، که بیش از ۷ میلیارد دلار برای طرح‌های زیرساختی از جمله تأسیس دانشگاه اردن-چین، شبکه راه‌آهن ملی و خط لوله نفتی که عراق و اردن را به هم متصل می‌کند، پرداخت کرده است، همچنان چالش‌های زیادی برای اردن وجود دارد. واقعیت این است که بیشتر این پروژه‌ها محقق نشده باقی می‌ماند و همین مسئله بر شدت مشکلات در تبدیل وعده‌ها به پیشرفت ملموس می‌افزاید.



در لباس دوست

چرا روسیه به رغم ادعای دوستی با تهران حاضر نیست به تمامیت ارضی ایران احترام بگذارد؟



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

چهارشنبه هفته گذشته در پایان ششمین نشست مجمع همکاری کشورهای عربی و روسیه در مراکش، وزیر خارجه روسیه پای بیانیه‌ای را امضا کرد که در آن با اشاره به ادعاهای ارضی امارات متحده عربی علیه ایران، از ایران خواسته شده بود تا موضوع اختلاف با امارات متحده عربی در مورد جزایر سه‌گانه تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی را به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع دهد. این دومین بار در ۶ ماه گذشته است که روسیه پای چنین بیانیه‌ای را امضا می‌کند. تیرماه سال جاری نیز در قالب نشست گفت‌وگوهای راهبردی روسیه و شورای همکاری خلیج فارس، روسیه پای بیانیه‌ای با مفاد مشابه را امضا کرده بود. اقدام اخیر روسیه با اعتراض‌ها و انتقادهای گسترده‌ای در تهران مواجه شد. کار تا جایی پیش رفت که سیدمحمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستار اخراج سفیر روسیه از تهران شد. حتی بسیاری از حامیان سیاست خارجی دولت سیزدهم که از سیاست نگاه صرف به شرق این دولت حمایت می‌کردند، بعد از انتشار خبر صدور بیانیه مجمع همکاری کشورهای عربی و روسیه در مراکش، به‌شدت به این اقدام روسیه اعتراض کردند.

در بیانیه روسیه و کشورهای عربی «از راه‌حل‌ها و ابتکارات صلح‌آمیز با هدف حل مناقشه از طریق مذاکرات دوجانبه یا دیوان بین‌المللی دادگستری، براساس قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل» حمایت شده است.

منتقدان سیاست خارجی دولت سیزدهم معتقدند، رویکرد سیاست خارجی کشور در سال‌های اخیر باعث شده است که روسیه بدون اینکه به منافع ایران احترام بگذارد، در لباس یک دوست و شریک نزدیک، امتیازهای زیادی از ایران دریافت کند. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران می‌گوید: «روسیه به‌خاطر ما خودش و منافعش را به خطر نخواهد انداخت، دنیای امروز دنیای مردی و جوانمردی نیست، اگر ما بادیگانه غلط امتیازات و فداکاری‌های بیش از حدی را تقدیم روسیه کردیم نباید توقع رفتار مشابه مسکوا را داشته باشیم.» به اعتقاد تحلیل‌گران، رویکرد کلی سیاست خارجی دولت، باعث شده است این تصور در روسیه ایجاد شود که ایران گزینه‌ای جز تکیه به روسیه ندارد و به همین دلیل روسیه می‌تواند هر اقدامی علیه ایران انجام دهد، بدون اینکه بازخورد چندانی داشته‌باشد. محمود شوری، معاون مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید: «دلیل بی‌توجهی روسیه به منافع ما این است که روابط ایران با روسیه به مرحله‌ای رسیده است که دیگر ظرفیت و امکانی برای ما وجود ندارد که حق انتخاب و گزینه‌های دیگری جز روسیه در سیاست خارجی‌مان داشته‌باشیم. روس‌ها نگرانی‌ای نسبت

به از دست دادن ایران ندارند.» وی در مورد نحوه واکنش به این اقدام روسیه می‌گوید: «باید دید چرا کار به این نقطه رسیده است و علت اصلی را در مان کرد، نه اینکه نسبت به یک موضوع فقط رفتار انفعالی نشان دهیم و هیچ کار دیگری از دست‌مان برنیايد.» اقدام اخیر روسیه در امضای بیانیه کشورهای عربی با پندهایی که به وضوح تمامیت ارضی ایران را زیر سوال می‌برد، این سوال را تقویت کرده است که چرا در تهران از روسیه با عنوان یک دوست یا شریک راهبردی یاد می‌شود، اما در عمل مسکو حاضر نیست به منافع اساسی ایران از جمله تمامیت ارضی توجه کند. محمود شوری به هم‌میهن می‌گوید: «بحث این نیست که ما الان چه کار می‌توانیم بکنیم که روس‌ها دیگر دست به چنین اقدامی زنند، مسئله ما با مسکو این است که چرا روسیه چنین موضعی را می‌گیرد. کشورهایی‌توانند در روابط بین‌المللی مواضع خودشان را داشته‌باشند و حرف خودشان را بزنند و بسته به جایگاه آن کشورها و روابط‌شان با کشورهای دیگر این مواضع اهمیت پیدا می‌کند. ما از روسیه چنین انتظاری نداریم. تکلیف کشورهایی که دشمن ایران هستند، مشخص است. موضع کشورهای متحد اعراب هم مشخص است. اینکه چرا روسیه چنین موضع‌گیری‌ای می‌کند، مسئله ماست. مسئله این است که ما نتوانسته‌ایم حتی در روابط با دوستان خودمان هم به‌گونه‌ای رفتار کنیم که مصالح و منافع ما را در نظر بگیرند و به انتظارات ما توجه داشته‌باشند.»

▼ اعتراض‌های تند

اقدام وزیر خارجه روسیه در مراکش با واکنش‌های تندی در تهران مواجه شد. محسن رضایی، دبیر شورایعالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در پیامی نوشت: «بارها گفته‌ایم که جزایر سه‌گانه قابل مذاکره نیست. ادامه زیاده‌خواهی امارات به نفع آن‌ها نیست و تبعات دارد. مداخلات غیردوستانه روسیه درباره تمامیت ارضی ایران نباید تکرار شود. جزایر سه‌گانه، شبه‌جزیره کریمه نیست!» **علی اکبر ولایتی**، مشاور مقام معظم رهبری تأکید کرد: «روابط استراتژیک و دوستانه ایران و روسیه به آسانی به دست نیامده و در این زمینه باید منافع دوجانبه‌ای و منطقه‌ای در نظر گرفته شود و در شرایطی که روسیه در این شرایط پیچیده بین‌المللی قرار دارد، در پیش گرفتن بعضی از موضع‌گیری‌های وزارت خارجه روسیه باعث تأسف است؛ هر چند برخی فشارهای سیاسی بر روسیه در شرایط پیچیده فعلی موجب می‌شود برای به دست آوردن امتیازی کم‌ارزش و دست‌نیافتنی نیز به اعتبار خود لطمه وارد کند،» ابراهیم رضایی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم نوشت: «بر سر تمامیت ارضی‌مان با هیچ‌کس تعارف نداریم و جزایر سه‌گانه ما بخشی جدایی‌ناپذیر از خاک ایران بوده، هست و خواهد بود. اگر بنا بر توصیه برای مذاکره باشد، ما هم روس‌ها را به مذاکره با ژاپن بر سر جزایر کوریل دعوت می‌کنیم!» حسین شریعتمداری هم در سر مقاله روزنامه کیهان خطاب به وزیر امور خارجه روسیه نوشت: «آقای لاوروف! خطای شما بوی خیانت می‌دهد!» احمد نادری، عضو هیئت‌رئیس مجلس نیز در انتقاداتی شدیدالحن تأکید کرد:

«دومین بار است که روس‌ها گنده‌تر از دهان‌شان سخن می‌گویند و در تمامیت ارضی ایران دخالت می‌کنند. روسیه باید ابتدا پاسخگوی اشغال کریمه و تحمیل جنگ و کشتار مردم اوکراین باشد. خوش خدمتی به اماراتی‌ها چیزی از موضوع اشغالگری روس‌ها کم نمی‌کند. جزایر سه‌گانه، ایرانی است و ایرانی خواهد ماند.»

محمود شوری، کارشناس ارشد مسائل روسیه در گفت‌وگو با هم‌میهن در مورد این انتقاده‌ها می‌گوید: «متأسفانه این موضع‌گیری‌ها به‌نوعی از سر عقده‌گشایی یا خشم است و خیلی تغییری در نوع موضع‌گیری‌های احتمالی آینده روس‌ها نخواهد داشت.» شوری با اشاره به برخی اظهارنظرهای تلافی‌جویانه و وضعیت اوکراین و شبه‌جزیره کریمه می‌گوید: «اینکه ما در مقابل اوکراین چه موضعی بگیریم، چندان برای روس‌ها اهمیت ندارد. روسیه اکنون دو سال است که شرایط ابتدایی فشار جنگ را پشت سر گذاشته است و مواضع خود را تحکیم کرده است و شرایط بین‌المللی را مدیریت و کنترل کرده است. اینکه یک کشور مانند ایران چه موضعی در مقابل جنگ اوکراین بگیرد، دیگر در درجه نخست اهمیت برای روسیه قرار ندارد.» محمود شوری معتقد است: «این موضع‌گیری‌ها برای مخاطب داخلی است و نوعی پاسخ به افکار عمومی است که در ارتباط با موضع‌گیری اخیر روسیه، ناراحت و خشمگین شده‌اند. در واقع عده‌ای تلاش می‌کنند به این شکل دامن خودشان را از این آتش بیرون بکشند و ادعا کنند که نقشی در رسیدن کار به اینجا نداشتند و بگویند که ما هم مانند بقیه مردم ناراضی هستیم.»

▼ آیا روسیه از موضع خود عقب‌نشینی کرد؟

واکنش‌ها در تهران نهایتاً به احضار کاردار روسیه در غیاب سفیر این کشور به وزارت امور خارجه منتهی شد. دستیار مدیرکل خلیج‌فارس وزارت امور خارجه ضمن احضار کاردار روسیه در تهران مراتب اعتراض شدید دولت جمهوری اسلامی ایران را به فدراسیون روسیه در خصوص تکرار حمایت دولت روسیه از دعای بی‌اساس مندرج در بیانیه ششمین نشست مجمع همکاری اعراب و روسیه در مراکش، ابلاغ کرد و یادداشت اعتراضی به وی تسلیم شد.

این موضوع در گفت‌وگوی تلفنی حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه هم مطرح شد. لاوروف در این گفت‌وگو گفت: «حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران همواره مورد احترام روسیه بوده است و این سیاست رسمی مسکو هیچ‌گاه نباید مورد تردید قرار گیرد، ما در مذاکرات تنظیم بیانیه پایانی نشست مراکش به صراحت، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را مورد توجه قرار دادیم.»

کوروش احمدی، دیپلمات بازنشسته در گفت‌وگو با هم‌میهن در خصوص ادعای روسیه مبنی بر به رسمیت شناختن تمامیت ارضی ایران می‌گوید: «اظهارات وزیر خارجه روسیه مبنی بر اینکه روسیه تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناسد، در واقع با ایجاد تردید و شبهه در مورد بخش مشخصی از قلمرو ایران در تعارض و تناقض است.» این دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل متحد معتقد است: «اگر مسکو تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناخت، نباید خواستار ارجاع ادعای یک کشور ثالث در مورد بخشی از خاک ایران به یک دادگاه بین‌المللی می‌شد. این ادعای روسیه و چین در واکنش به اعتراض ایران که تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناسند، در واقع یک لفاظی و یک راه فرار دیپلماتیک بیش نیست. این اظهارات در حالی به‌طور شفاهی بیان می‌شود که روسیه به‌طور مکتوب و در یک سند رسمی موافقت خود را با ادعای یک کشور دیگر علیه خاک ایران ثبت کرده است.» کوروش احمدی معتقد است، امضای بیانیه

